



« جناب آقای رضایی، لطفاً خودتان را معرفی بفرمایید.

سال ۱۳۵۱ در روستای سسیدآباد، از توابع کرمان، به دنیا آمدم. تا پایان دوران ابتدایی در همان روستا بودم. دوم و سوم راهنمایی را در قم خواندم و پس از اتمام سوم راهنمایی، در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم.

« طلبگی را چگونه تعریف می‌کنید؟

طلبه یعنی کسی که خود را وقف دین و آموزه‌های دینی می‌کند. این تعریف، به تعریف آرمانی از طلبه نزدیک است که ممکن است با واقعیت‌های موجود منطبق نباشد. کسی که عهد کرده در این محیط قرار بگیرد و وظیفه خود را انجام دهد، طلبه است. هر کس وارد این وادی می‌شود، باید تصمیم بگیرد طبق این وظیفه و عهد و پیمان نانوشته عمل کند. اگر به این وظیفه عمل کند، عنوان طلبه - به حمل شایع - به او اطلاق می‌شود؛ و گرنه از واقعیت طلبگی دور است.

وظیفه طلبه، درس خواندن است. طلبه به حوزه وارد می‌شود و از امکانات حوزه و فضای معنوی آن استفاده می‌کند و این استفاده باید به خاطر آن باشد که وظیفه‌اش را انجام دهد. اولویت اول طلبه، درس خواندن است. هیچ کاری در زندگی روزمره یک طلبه، مهم‌تر از درس خواندن نیست و همه چیزهای دیگر جنبی است. طبیعتاً در کنار درس خواندن، باید به اخلاق و رفتار خود رسید و خود را تربیت کرد. اخلاق و تحصیل، عمده وظایف طلبه در هر سطحی است. اگر این مسائل را رعایت نکنند، عمر خود و سایر امکانات را هدر داده است.

« ترجمه زیبای حضرت عالی از

کتاب شریف صحیفه سجاده، بهانه این مصاحبه شد. ترجمه حضرت عالی هم‌اکنون به چاپ بیستم رسیده است و این نشانه استقبال مخاطبان از این اثر است. قدری درباره ویژگی‌های ترجمه خود بفرمایید.

من از آغاز طلبگی، دغدغه ادبیات داشتم. مدتی شعر می‌گفتم و به دنبال ادبیات - به معنای خاص آن، یعنی شعر و رمان - بودم و برخی کلاس‌ها شرکت می‌کردم و سرم برای ادبیات درد می‌کرد. البته نخستین کار ترجمه‌ای بنده، خیلی از روی علاقه نبود. ولی با اولین کاری که انجام دادم، علاقه من به این کار بیشتر شد و احساس کردم که می‌توانم از عهده این کار برآیم و از تجربه نویسندگی خودم در آن استفاده کنم. در خصوص زبان و ادبیات عرب، دو گونه عربی داریم: عربی قدیم و عربی جدید. بیشتر کارهای بنده، در حوزه ادبیات قدیم می‌گنجد. من کاری را برای ناشر بردم که ناشر آن را پسندید و در اصل، صحیفه سجاده، به پیشنهاد ناشر بود. ناشر گفت من در پیشانی شما چیزی دیدم که



ترجمه‌ای که به چاپ بیستم رسید

گفتگویی صمیمی با حجت‌الاسلام محمد مهدی رضایی، مترجم صحیفه سجاده و گزیده اصول کافی

شما خود ندیده‌اید. ایشان پیشنهاد دادند و ما از سال ۱۳۸۱ کار را دنبال کردیم. این ترجمه با بهره گرفتن از ترجمه‌ها و شرح‌های دیگر، در مدت هفت ماه انجام شد. این ترجمه اکنون با قطع‌های گوناگون و به طور متوسط، در هر سال، یک نوبت منتشر شده است.

« ویزگی‌های ترجمه شما نسبت به سایر ترجمه‌های این کتاب شریف، چیست؟ »

چیزی که بنده درباره ویزگی‌های این ترجمه، از دیگران شنیده‌ام، این بوده است: «زیبایی‌های خاص در عرصه عبارت‌پردازی و ساختار جمله‌ها». معمولاً وقتی ترجمه از متن عربی انجام می‌شود و قلم‌نیز قلم‌حوزوی است، اثر به فارسی سلیس ترجمه نمی‌شود. ترجمه‌های حوزویان از آثار عربی، زیاد فارسی نیست؛ بنابراین جذابیت ندارد. شاید این نقیصه در آثار گذشتگان پذیرفتنی باشد، ولی مشاهده این نقص در آثار امروزی در داور است. نمی‌توان عربی را از فارسی جدا کرد، چرا که این کار، فارسی را مرجع و نابود می‌کند. ولی می‌توان به گونه‌ای ترجمه کرد که یک فارسی‌زبان از دیدن ترجمه لذت ببرد. شاید یکی از دلایل اقبال به این ترجمه، فارسی‌تر بودن آن از سایر ترجمه‌ها باشد.

ویزگی دوم، آهنگین بودن ترجمه است. من تلاش کردم آهنگین بودن و سجع خود دعا را به فارسی منتقل کنم که هم آهنگ دلنشین جمله‌های حضرت حفظ شود و هم اینکه اگر در متن عربی سجعی وجود دارد، من آن سجع را در فارسی نیز بیاورم؛ البته به شرطی که در جمله بنشیند.

« دعا چه جایگاهی در زندگی یک فرد مؤمن دارد؟ »

از دیگران نکاتی را در مقدمه آورده‌ام. نخست باید گفت معمولاً دیدگاه مذهبی‌های ما به دعا، دیدگاه کاملی نیست. آنها معمولاً فکر می‌کنند که دعا را باید برای فضیلت و ثواب و یا برای رسیدن به چیزی خواند؛ یعنی از خدا چیزی را طلب کردن و خواستن که آن چیز هم، عموماً مادی است، مانند شفای بیماری، ادای قرض و... ولی وقتی که انسان به صحیفه سجاده‌ی مراجعه می‌کند که عالی‌ترین متن دعایی در آثار ما و سپس از قرآن و نهج‌البلاغه، سومین کتاب مقدس ما شیعیان است، روش دعا کردن و از خدا حاجت خواستن را از امام سجاد (علیه السلام) می‌آموزد.

دوم اینکه انسان چه چیزی را باید از خدا بخواهد. گاهی شخصی مشکل خاصی ندارد و نمی‌داند از خدا چه بخواهد. این متون دعایی به ما می‌آموزد که از خدا چه بخواهیم.

نکته سوم، جنبه آموزشی و تربیتی دعاست که بسیاری از معارف را امام با زبان دعا به

نسل‌های پس از خودش انتقال داده است. یک بار معصوم، همچون امام حسین (علیه السلام) در کربلا معارف را آشکار می‌کند و یک بار، مانند امام سجاد (علیه السلام) - که حکومت او را محدود کرده - از طریق دعا و وظیفه پیشوایی خود را در برابر مردم ادا می‌کند. به نظر من، اگر حاکم وقت، می‌فهمید که امام سجاد (علیه السلام) با دعاهای خود در حال انجام چه حرکت عظیمی است - همانند امام حسین و امام علی (علیه السلام) - حتماً جلوی ایشان را می‌گرفتند و اجازه نمی‌دادند که این معارف عمیق به دست ما برسد.

« چه توصیه‌ای برای طلبه‌های مقدمات و سطح دارید؟ »

در تعریفی که ما از طلبه دادیم، این بود که طلبه باید عالم باشد. طلبه بی‌سواد به هیچ دردی نمی‌خورد و حتی زبان نیز دارد. خودسازی و تخصص در علم دینی نیز از ضروریات است. امر سوم، بازدهی است. طلبه باید بتواند از معارف و معنویاتی که کسب کرده، به دیگران سود برساند. این سخن آیت‌الله جوادی املی، معروف است: هدف از حوزه، فقیه شدن و مرجع شدن نیست. هدف از حوزه، انذار است؛ یعنی ساختن خود و تربیت دیگران. از جامعه دور بودن و تنها به درس و تهذیب نفس پرداختن، یک بال پرواز است و بال دیگر، انذار است. برای این بازدهی باید بالاخره به هنری برسند. یا هنر بیان برای سخنرانی و ارائه مطلب به دیگران بالای منبر، یا در سطح حوزه درس بدهد و علمی را که کسب کرده، به دیگران منتقل کند.

« گویا ترجمه گزیده‌ای از احادیث اصول کافی را نیز برای نشر معارف به انجام رسانده‌اید. مشخصاً کتاب اصول کافی چه جایگاهی می‌تواند در زندگی یک طلبه داشته باشد؟ »

اصول کافی، مجموعه‌ای کامل با موضوعات متنوع از روایات است که به بسیاری از پرسش‌ها پاسخ می‌گوید. طلبه باید از ابتدا با متون روایی مشهور و معروف، آشنا شود. وقتی به اصول کافی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم به دریایی می‌ماند که هر روایت آن به کار دردی از دردهای اجتماعی، فردی، روحی و مادی انسان می‌آید و کتابی جامع است. این کتاب مهم، از زمان نگارش آن، شرح‌های فراوانی داشته که در قرن‌های پی‌درپی، دانشمندان بسیاری بر این کتاب شرح نوشته‌اند که نشان از مورد اطمینان بودن نویسنده کتاب و خود کتاب و اتقان آن است و طلبه اگر بخواهد از نظر فکری و اعتقادی بی‌نیاز شود، باید آن را بخواند. باید یکی از کتاب‌های بالینی طلبه باشد و هر روز یا چند روز یک بار، روایتی از آن را بخواند و این کار سن و سال خاصی نمی‌شناسد. اگر طلبه از آغاز طلبگی با آن سروکار داشته باشد، تأثیر آن خیلی بیشتر است و باید تا تک‌دورت

گناه و معصیت، قلب و دلش را نگرفته، خود را نورانی کند.

« حضرت عالی چه زمانی ملبس شدید؟ »

بنده شش سال است که ملبس شده‌ام. چند سالی پس از گذراندن درس خارج، نزد آقای بهجت عمامه گذاشتم. البته ملبس شدن در آن سن و سال برای ما دیر بود. همین که طلبه احساس کرد که می‌تواند تبلیغ کند و وقتی میان مردم می‌رود، می‌تواند به پرسش‌های اعتقادی و فقهی مردم پاسخ دهد و از سوی از نظر اخلاقی نیز خود را تربیت کرده است، باید معمم شود. همه این شرایط، بیش از شش یا هفت سال طول نمی‌کشد. شنیده‌ام که امام خمینی (علیه السلام) می‌گفتند ما آخوند غیر معمم نمی‌خواهیم. باید شرایطی حاصل شود که این لباس را بپوشیم. اینها توهم است که انسان خیال کند با پوشیدن لباس روحانیت، میان مردم به مشکل برمی‌خورد؛ این توهمات، با ملبس شدن از بین می‌رود. طلبه با این لباس است که می‌تواند وظایفش را درست انجام دهد.

« در چه سنی متأهل شدید؟ با مشکلات معمول معیشتی چه کردید؟ »

من در ۲۵ سالگی، بدون هیچ‌گونه مال و اموالی ازدواج کردم. تا امروز هم مستأجر هستم و خانه شخصی از خود ندارم. زندگی طلبه باید زندگی طلبگی باشد. انسان در انتخاب همسر کفو خود را پیدا کند؛ یعنی کسی که طلبه بودن همسرش را بپذیرد و بپسندد و سختی‌ها و مشکلاتی را که در زندگی با یک طلبه وجود دارد بپذیرد و خود را با آنها سازگار کند. طلبه هم باید وقتی زن می‌گیرد، صاف و پوست‌کنده مسائل طلبگی را با طرف مقابلش در میان بگذارد.

« از سختی‌های زندگی طلبگی بگویید. »

گاهی سختی مادی است که برای من خیلی مهم نیست. اینکه حالا خانهای باشد یا نباشد. شهریه کفاف یک ماه را بدهد یا ندهد. اگر توقع شخص کم باشد، طبیعتاً سختی‌ها را تحمل می‌کند و خود را در جایگاه یک روحانی می‌بیند که باید مسائل دینی را به مردم بگوید و با توسل و یاری خواستن از خدا، رنج‌ها را کم کند. بستگی دارد انسان از طلبگی خود چه توقع‌هایی داشته باشد. حالا از خود خانه داشت که داشت، و اگر نه خانه اجاره‌ای. برخی می‌کوشند با اینکه طلبه هستند، بار مالی خود را ببندند، آنها منحرف می‌شوند و از طلبگی خود فاصله می‌گیرند. طلبه اگر درس خود را خواند، خداوند روزی او را تضمین کرده است. البته نه به معنای اینکه هر چه بخواهد، به او می‌بخشد. بلکه شاید به این معنا که سختی‌ها را برای او شیرین می‌کند.



معمولاً وقتی ترجمه از متن عربی انجام می‌شود و قلم‌نیز قلم‌حوزوی است، اثر به فارسی سلیس ترجمه نمی‌شود. ترجمه‌های حوزویان از آثار عربی، زیاد فارسی نیست؛ بنابراین جذابیت ندارد. شاید این نقیصه در آثار گذشتگان پذیرفتنی باشد، ولی مشاهده این نقص در آثار امروزی در داور است.



۱

این تصویر مربوط به نخستین روز حضور گروه در اردکان، مرکز شهرستان سپیدان است. در تصویر پاهای یخ زده اعضای گروه را می بینید که به دلیل خرابی بخاری اتاق، از شعاع بیست سانتی متری آفتاب که از پنجره بر روی فرش افتاده بود، کمال بهره را برده و یخهای خود را آب می کنند.



۲

پس از صرف صبحانه، در دو اتاق از حجره های مدرسه علمیه امام حسن عسگری علیه السلام اردکان مستقر شدیم و پیش از اذان ظهر، به محضر حضرت میزبان، جناب حجت الاسلام والمسلمین موسوی انور، امام جمعه محترم سپیدان رسیدیم و مسئول گروه، پس از ارائه گزارشی از فعالیت های اعضا در شهرهای دیگر، دوستان را معرفی کرد. امام جمعه نیز سخنانی درباره وضعیت شهرستان گفت و اطلاعاتی درباره کاستی ها و نیازمندی ها ارائه کرد. نخستین امیدواری ها در همین جلسه نخست جوانه زد؛ چرا که جناب موسوی انور، پیش از این، مسئول یکی از گروه های تبلیغی جهادی بودند و در آشنا به مسائل گروه.



۳

نخستین انتظار اهالی هر شهر از روحانیانی که به منطقه آنها سفر می کنند، رونق دادن به مساجد و مجالس آیینی است. از این رو هر یک از اعضای گروه، وظیفه برگزاری نماز مغرب و عشا در یکی از مساجد شهر را بر عهده گرفت و حالا که محرم بود، سخنرانی و نوحه خوانی پس از نماز نیز بر این تکلیف اضافه شد. هنگام شب، دیدن بچه ها در حجره - که هر یک مشغول آماده کردن منبر فردا بودند - دیدنی بود! یکی با هدفون، سخنرانی منبری های مشهور را گوش می داد و یادداشت بر می داشت. دیگری کتاب هایش را ورق ورق می کرد و از همه حرف های تر، یکی از بچه های سابقه دار گروه بود که از یک دفترچه قدیمی، فقط سرفصل های منبرش را در کمتر از نصف کاغذ یادداشت می کرد و زودتر از همه می خوابید.



۴، ۵، ۶

پس از مساجد، بیشترین تمرکز گروه روی مدارس بود. از ابتدایی و راهنمایی تا دبیرستان و هنرستان و مدارس شبانه روزی، مشتری برنامه های گروه بودند. حالا دوستانی که متخصص کودکان و نوجوانان بودند، وارد صحنه می شدند و برای شیفت صبح و عصر مدارس برنامه ریزی می کردند. متاهل ها به مدارس دخترانه هم می رفتند. بچه ها و نوجوانان، صاف و صادق ترین مخاطبان گروه بودند و البته برنامه های گروه در این بخش نیز، بسیار جذاب، پرنرزی و سرگرم کننده بود. برگزاری مسابقه، اهدای جوایز، پرسش و پاسخ، خاطرهنویسی، بازی و... همه باعث می شد که هر روز دانش آموزان با اصرار و خواهش، خواستار تکرار برنامه ها باشند.



۷

حاج آقا روح الله، فوق تخصص کودک و نوجوان گروه است. شخصیت محبوبی که حتی شبها پیدایش نمی شد و شبانه روز در مدارس شبانه روزی آموزش و پرورش، همراه بچه ها بود. این عکس، تنها گوشه ای از اقبال بچه ها به مراسم شبانه حاج آقا روح الله در خوابگاه شبانه روزی یکی از مدرسه ها را به نمایش گذاشته است. حاج آقا روح الله سازگاری عجیبی با شیطنت ها و آشوب های دانش آموزی دارد و مشهور است که او هیچ گاه در برابر این شلوغی ها کم نمی آورد و خسته نمی شود!

۱۴



همه گروه به نوعی در این تصویر حاضرند. هشت نفر از اعضای گروه در عکس مشاهده می شوند که باید مسئول گروه (عکاس این تصویر و نهمین عضو گروه) را نیز به آنان اضافه کرد. نوشتن گزارشی از فعالیت‌ها، خاطرات و تلاش‌های این دوستان، کتابی مفصل و مجالی دیگر را می‌طلبد. خاطراتی تلخ یا شیرین و البته بسیار شنیدنی که چه بسیار بر جان و دل اعضای گروه «سلام» و دیگر گروه‌های تبلیغی طلبه‌های جوان نقش بسته است.

۱۳

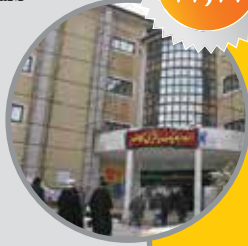


جمعه‌ها، پس از یک هفته تلاش و فعالیت، بسیاری از مردم برای تفرج و سرگرمی به تفریح‌گاه‌های منطقه سپیدان می‌آیند. پیست اسکی سپیدان، دومین پیست اسکی مجهز و پیشرفته کشور است که هر ساله از بسیاری کشورهای منطقه خلیج فارس مشتری‌های پایه ثابت دارد؛ ولی جمعه‌ها برای اعضای گروه «سلام»، تازه آغاز کوشش و فعالیتی دوباره است. نخستین حضور بچه‌ها در پیست اسکی، حضور در فضایی ناشناخته و مهیج بود، ولی از همان دقیقه‌های آغازین، استقبال جوانان و مردم از گروه، همه را شگفت‌زده کرد.

گام به گام، همراه با یک تبلیغ جهادی

گزارش تصویری از سفر گروه فرهنگی تبلیغی «سلام» به شهرستان سپیدان

۱۱، ۱۲



اکنون اعزام دو نفر از اعضا به دانشگاه آزاد اسلامی سپیدان و دانشگاه پیام نور سپیدان، به یکی از برنامه‌های ثابت گروه تبدیل شده است. برگزاری کلاس معارف اسلامی به جای استادان محترم این درس، برگزاری برخی کلاس‌های تخصصی حکمت هنر دینی برای دانشجویان رشته‌های هنر، آمدوشد با استادان و کارمندان دانشگاه، برگزاری همایش‌های تخصصی، همچون همایش «هنر عاشورایی» با حضور و سخنرانی استادان و دانشجویان، حضور در خوابگاه‌های دانشجویی، برگزاری نماز جماعت و مقتل خوانی، از برنامه‌های دانشگاهی گروه است. در تصویر ۱۲، اعضا برنامه‌های گروه را با رئیس دانشگاه آزاد اسلامی سپیدان هماهنگ می‌کنند.

۱۰



بنا بود کمی هم قدر دان میزبان باشیم. گروه، مهمان امام جمعه محترم شهرستان سپیدان و طلبه‌های عزیز مدرسه علمیه امام حسن عسکری (ع) بود. برگزاری کلاس‌های نویسندگی و روزنامه‌نگاری، آموزش رایانه و وبلاگ نویسی، پخش فیلم‌های مستند مذهبی و سیاسی و... از جمله برنامه‌های گروه برای طلبه‌های میزبان بود. در تصویر شاهد آموزش عملی عمایه‌پچی در حیات مدرسه علمیه امام حسن عسکری (ع) هستید که مورد استقبال بی نظیر طلبه‌ها واقع شده است.

۹



شب‌ها فرصتی بود که اعضای گروه، به مراکزی همچون آسایشگاه معلولان ذهنی بهزیستی، خوابگاه دانش آموزان کمیته امداد، سربازان و نیروهای سپاه پاسداران و پرسنل نیروی انتظامی سپیدان سری بزنند. در این تصویر، یکی از اعضای گروه را در گفتگوی چهره‌به‌چهره با سربازان نیروی انتظامی مشاهده می‌کنید.

۸



فکر می‌کنید اینجا کلاس است؟ نخیر! اینجا صحنه برگزاری یک «منبر موازی» است! منبر موازی از دیدگر برتری‌های تبلیغ گروهی است. وقتی یکی از اعضای گروه در مسجد جامع شهر مشغول سخنرانی بود، در یکی از اتاق‌های مسجد، منبری دیگر، هم‌زمان برای کودکان و نوجوانان برگزار می‌شد تا از ازدحام و شلوغی آنها در مجلس اصلی کاسته شود و از سویی برای هر دو گروه بزرگ سالان و نوجوانان، برنامه‌ای برگزار شده باشد.



اشارات زلالی از طلوع تازه نرگس



حجت الاسلام زکریا اخلاقی، از چهره‌های نام‌آشنای شعر حوزه در روزگار ماست که با ارائه آثاری تأثیرگذار، از جایگاه خوبی در ادبیات معاصر کشور برخوردار شده است. او در سال ۱۳۴۱ در شهر میبد متولد و در نخستین سال‌های جوانی، از سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه شد و به ترتیب در مدارس علمیه میبد، یزد و قم، به تحصیل علوم دینی پرداخت.

سرودن راز سال‌های نوجوانی آغاز کرد و در فضاهای گوناگون شعری به طبع آزمایی پرداخت تا اینکه با استفاده از اندیشه و نگاهی برآمده از متن حوزه‌های علمیه و زبان و بیانی سرشار از حال و هوای حجره‌ها و مدارس دینی، آثاری متفاوت ارائه کرد که در مقالات و محافل گوناگون ادبی مورد نقد و بررسی

شاعران و ناقدان کشور قرار گرفت. کتاب تبسم‌های شرقی، در بردارنده مجموعه‌ای از غزل‌های این شاعر حوزوی است که در سال ۱۳۷۲ از سوی مؤسسه فرهنگی محراب اندیشه منتشر شد و توانست عنوان برترین کتاب دفاع مقدس در آن سال‌ها را به خود اختصاص دهد. این کتاب در سال ۱۳۸۹ نیز، از سوی معاونت فرهنگی - هنری دفتر تبلیغات اسلامی تجدید چاپ شد.

گردآوری مجموعه شعر جوان استان یزد، در سال ۱۳۸۲ و مجموعه شعر عاشورایی شاعران استان یزد با عنوان باغ ارغوان، در سال ۱۳۸۴ از دیگر فعالیت‌های وی در دنیای کتاب است.

وی همچنین مسئول مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری استان یزد است. او با استفاده از اصطلاحات فلسفی و فقهی در شعر، در حال تجربه زبان شعری تازه‌ای است.

معراج‌نامه ملکوت

ما را خوش است سیر سکوتی که پیش‌روست
گشت و گذار در ملکوتی که پیش‌روست
بر گیسوی تغزل ما شانه می‌کشد
شیوایی دودست قنوتی که پیش‌روست
تجربیدی از طراوت گل‌های مریم است
این سفره معطر قوتی که پیش‌روست
بگذار با ترتم مستانه بگذرد
این چند کوچه تا جبروتی که پیش‌روست
ما راهیان وادی سبز سلامتیم
آسوده‌ایم از برهوتی که پیش‌روست
وامی نهیم خستگی خاطرات را
در سایه‌سار خلوت توتی که پیش‌روست
تصنیف سیر ساده یک شاخه گل است
معراج‌نامه ملکوتی که پیش‌روست
یارب مباد بی‌غزل عاشقی شیبی
موسیقی بلند سکوتی که پیش‌روست

روضه سر بسته

آخر ای مردم، ما هم عتباتی داریم
کربلایی داریم، آب فراتی داریم
ما پر از بوی خوش سیب، پر از جاووشیم
وز چمن‌های مجاور نفحاتی داریم
داغ هفتادودو گل تشنگی از ماست اگر
دست و رو در تپش رشته قناتی داریم
آن سبک‌بارترانیم که بر محمل موج
ساحل امنی و کشتی نجاتی داریم
در تماشای جمال از جبروتی سرخیم
که شگفت‌آینه جلوه ذاتی داریم
در همین روضه سر بسته، خدامی داند
دست در شرح چه اسماء و صفاتی داریم
زیر این خیمه که از ذکر شهیدان سبز است
کس نداند که چه احساس حیاتی داریم
همه هستی ما عین زیارت‌نامه‌ست
گر از این گونه سلام و صلواتی داریم



طلوع نرگس

همین است ابتدای سبز اوقاتی که می گویند
و سرشار گل است آن ارتفاعاتی که می گویند
اشارات زلالی از طلوع تازه نرگس
پیاپی می وزد از سمت میقاتی که می گویند
زمین در جستجو هر چند بی تابانه می چرخد
ولی پیداست دیگر آن علاماتی که می گویند
جهان این بار دیگر ایستاده با تمام خویش
کنار خیمه سبز ملاقاتی که می گویند
کنار جمعه موعود، گل های ظهور او
یکایک می دمد طبق روایاتی که می گویند
کنون از انتهای دشت های شرق می آید
صدای آخرین بند مناجاتی که می گویند
و خاک این خاک تیره آسمانی می شود کم کم
در استقبال آن عاشق ترین ذاتی که می گویند
و فردا بی گمان این سمت عالم روی خواهد داد
سرانجام عجیب اتفاقاتی که می گویند



مجالس شادی و عزا را مدیریت کنید!

همین سادگی می‌توان شاد بود و شادی خود را به دیگران نشان داد.

کفزدن شایسته مساجد و محیط‌هایی نیست که قداست دارند؛ بکوشیم از آن دوری کنیم. پوشیدن لباس رنگ روشن، بیان برخی لطیفه‌ها یا نکته‌های نغز، دعوت از گروه‌های توشیح، مسابقات حضوری با جوایز آماده، قرعه‌کشی‌ها به‌ویژه برای سفرهای زیارتی، می‌تواند در شادی محیط‌ها و محافل تبلیغی ما مؤثر باشد. حتی اگر آموزش را با خنده و شادی همراه کنیم، اثر بیشتری دارد... نکته آخر اینکه بکوشیم برخی محافل جشن و سرور، نظیر غدیر و مبعث را خیلی ویژه و استثنایی برگزار کنیم! اما در خصوص مجالس عزا، توصیه و سفارش فراوان است. من به برخی از آنها بسنده می‌کنم. سیاهپوش کردن مسجد یا محیط تبلیغی را امری دائمی، پیش‌پاافتاده و دم‌دستی تلقی نکنیم. این کار را بگذاریم برای مناسبت‌های ویژه!

مداحی‌های بی‌پایه و اساس را مطلقاً کنار بزنیم. بلندگورا به دست هر مداحی ندهیم. اعتبار مجالس خود را با اشعار جلف و سبک مخدوش نکنیم و به گونه‌های محافل خویش را طولانی نکنیم که گاهی برخی واجبات را تحت‌الشعاع قرار دهد.

فراموش نکنید قرار نیست آدم‌هایی از سیاره‌های دیگر بیایند و به جوانان مادر این کره‌خاکی آموزش دهند. آنچه شما امروز انجام می‌دهید، فردا فرزندان شما انجام خواهند داد. مدیریت کنید تا آنان نیز اصول مدیریت را بیاموزند. ضمناً بخشی از تفاوت میان مجالس شادی و عزا در نوع پذیرایی خود نشان دهیم. اگر در مجالس عزا چای و خرما می‌دهیم، در مجالس شادی بستنی و شکلات توزیع کنیم.

را سیاهپوش می‌کنیم، در شادی و سرور نیز با چراغانی و آذین‌بندی، آن را زینت بخشیم.

پذیرایی و اطعام جزء جدایی‌ناپذیر محافل عزا و شادی ما نباشد. اطعام همیشگی نیاز نیست، ولی اگر به غذا دادن تصمیم گرفتیم، حتماً غذای خوب و باکیفیت به مردم بدهیم. چند سال پیش، دوستی در کمال لطافت به من فهماند که غذای ظهر عاشورا خوردنی نبوده است! -امسال نخستین سالی بود که ما ظهر عاشورا ناچار شدیم فست‌فود بخوریم...

خیران و نیکوکارانی را که در هزینه‌های مجالس شادی و عزا مشارکت می‌کنند، به مردم معرفی کنیم. این کار، افزون بر تشویق آنان، زمینه ترغیب دیگران را نیز فراهم می‌کند.

اکنون که به بیان برخی نکته‌های مشترک در خصوص مجالس شادی و عزا پرداختیم، اجازه دهید به نقل بعضی از خوبی‌های جداگانه آنها نیز بپردازیم و از مجالس شادی آغاز کنیم که نایاب‌ترند: شاد بودن، لودگی یا مسخرگی نیاز نیست، به



حسین سر قامات

«شیعیان ما از طفیل وجود ما آفریده شده‌اند؛ با شادی ما شادند و در اندوه و غم ما محزون و اندوهگین.»

شاید از اهل علم و مبلغان، کسی را نیابید که این سخن بزرگان دین، به گوش او نخورده باشد!

با این همه هنوز هم نحوه اداره مجالس شادی و عزا، بحث جذاب و سودمندی است.

مبحثی کاملاً کاربردی... به‌ویژه آنکه به تبلیغ بسنده نکنی و بخواهی مدیر تبلیغ باشی!

البته تذکر این نکته در آغاز سخن، خالی از فایده نیست که شادی و سرور در میان ملت‌های گوناگون دنیا به مراتب بیشتر از ملت ایران است. از این جهت ما به گونه‌های خود کار، به عزا مایل‌تریم تا شادی؛ به همین جهت کارمان در تعادل بخشی بین مجالس شادی و عزا دشوارتر نیز هست. در یک مثال ساده ما به اتومبیلی می‌مانیم که فرمان آن به جهات فنی به یک سو می‌کشد! ما را نیز اگر به حال خود بگذارند، به سوی حزن و اندوه می‌رویم!

به نکته‌ای که عرض کردم، اندکی دقت کنید تا نسخه‌های برای مجالس شادی و عزا بیچیم و آنگاه به‌طور جداگانه به هر یک از این دو مقوله بپردازیم!

در هر دو مقوله شادی و عزا، نیاز مردم، اعتدال و میانه‌روی و زمان‌گاهی که به تعبیر دیگر اقتضای حال نامیده می‌شود، کاملاً مراعات شود.

جلوه‌های مجالس شادی و عزا کاملاً با هم متفاوت باشد، حتی در شعری که خوانده می‌شود و سبکی که از آن بهره می‌بریم؛ به گونه‌ای که اگر کسی پشت در مسجد آمد، از همان بیرون بفهمد اینجا مجلس سوگوار است یا محفل جشن و سرور.

همچنان که در سوگ و اندوه، مسجد و محیط تبلیغی خویش



بشنو ز من این نکته که برخیز و بیا چگونه سخنرانی کنیم؟



سید احمد بطحانی

اگر مهم‌ترین و سخت‌ترین بخش تبلیغ در ایام عز و سوگواری، سخنرانی و روضه‌خوانی نباشد؛ به‌طور قطع از دشوارترین بخش‌های آن به‌شمار می‌رود. شاید اصلی‌ترین دلیلی که سبب شده کمتر از نیمی از روحانیان وارد تبلیغ شوند، همین مسئله است. البته سخنرانی مقوله‌ای است و روضه‌مقوله‌ای دیگر.

سخنرانی دینی، معجونی عجیب و شنیدنی است؛ شنیدنی به معنای واقعی کلمه. یک کشکول مذهبی، در بردارنده قالب‌های گوناگون پند و اندرز و موعظه و تذکر. یک منبر جامع، هم آیه قرآن دارد، هم روایت. سخنران برای هر کدام از آیات و روایات، داستانی و حکایتی می‌گوید تا هم آن را عینی کرده باشد، و هم با جذابیت داستان، سخنانش را از یکنواختی نجات دهد. در این بین مؤیدی از علوم تجربی، شعر و لطیفه هم به‌نمکی می‌ماند که شنیدنی را برای مخاطب جذاب‌تر و خستگی او را رفع می‌کند. یک سخنرانی، مانند داستانی کلاسیک، هم مقدمه دارد، هم نقطه اوج و هم پایان بندی. البته همین سخنرانی سبک‌ها و روش‌های گوناگونی دارد. یکی چون مرحوم فلسفی، حماسی سخن می‌گوید و با شور و حرارت، مخاطب را درگیر خودش می‌کند؛ یکی هم مانند مرحوم کافی، با شوخی و لطیفه‌های جذاب و لحنی صمیمی، منبرش را شیرین و شنیدنی می‌کند و یا مثل آقای فرحزاد، با داستان‌ها و حکایت‌های مکرر و پی‌درپی، ذهن و فکر شنونده را با خود همراه می‌کند. به‌هر حال هر کدام از این سبک‌ها - بنا به سلیقه مخاطبان - مشتری و به قول معروف، پامنبری‌های خاص خودش را دارد. در این بین، افزون بر ایمان سخنران به سخنانش، حرکت‌های دست و بدن، میمیک صورت و حالت چشمان سخنران هنگام بیان،

تأثیر فراوانی در نفوذ سخنان در دل و جان مخاطب دارد. البته جدا از لحن و شیوه‌های بیان، یک سخنرانی، ساختارهای متنوع و متفاوتی دارد که ایجاد سؤال و تعلیق در ابتدای سخنرانی و پاسخ و گشایش آن در ادامه، از ششایع‌ترین و رایج‌ترین شیوه‌های سخنرانی‌های مذهبی است.

یک سخنران تازه‌کار در ابتدا با پیروی از سبک یک سخنران کار کشته کارش را آغاز کرده و در ادامه می‌کوشد سبک و شیوه‌های شخصی به دست آورده و به مرور منبرش را شخصی‌تر، کامل‌تر و به‌روزتر کند. این تکامل که هم در بخش فرم و هم محتوا رخ می‌دهد؛ امری گریزناپذیر است؛ چرا که مخاطب تشنه

مطالب تازه و شیوه‌های جدید است. شاید نتواند توقع آیه یا روایت جدید و ناشنیده‌ای داشته باشد؛ ولی طلب شیوه و سبک تازه‌ای در بیان، انتظار بی‌جایی نیست. بوده‌اند کسانی که در یک بازه زمانی به اوج خوش‌نامی و شهرت رسیده‌اند و با بی‌توجهی به این انتظار و توقع مخاطب، ناپدید شده و به حاشیه رفته‌اند.

رسم بر این است ابتدای سخنرانی را با یک خطبه عربی آغاز کنند. بیشتر این خطبه‌ها از دعاهای معصومان علیهم‌السلام و به‌ویژه امام زین‌العابدین علیه‌السلام در صحیفه سجاده‌گرفته شده و در طول زمان، از سر ذوق و خلاقیت اهل منبر، کم و زیاد شده و به شکل و سیاق امروزی درآمده‌اند.

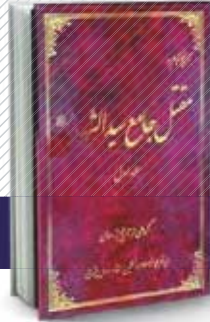
از آنجایی که بیشتر سخنرانی‌ها در شب برگزار می‌شود، شنوندگان تا حدود زیادی خسته هستند. از این رو کنترل ذهنی آنها اندکی دشوار است. در این هنگام سخنران خبره باید نبض مخاطبش را در دست داشته و مانع حواس‌پرتی، چرت و فعالیت‌های این‌چنینی آنها نشود. لذا تنها چیزی که می‌تواند سخنران را یاری دهد، خلاقیت‌های نو و مناسب است. صلوات‌های به‌هنگام، شوخی و لطیفه بجا، تغییر لحن و صدا، اشاره به مخاطب، حرکت‌های سر و دست، نگاه به چشمان شنوندگان، فریاد و حتی زدن بر دسته منبر، از میان برنامه‌هایی است که سخنرانان در این مواقع استفاده می‌کنند. پوشیده‌نماند زمان و کیفیت انجام این کارها باید درست سنجیده شود، و گرنه می‌تواند آثار وارونه داشته باشد.

پایان سخنرانی نیز با ربط لطیف و ظریفی به یکی از معصومان علیهم‌السلام به مرثیه‌خوانی و ذکر مصیبت‌های آن حضرت می‌انجامد. بخشی که در اصطلاح آن را «روضه» می‌نامند. روضه‌خوانی خود فن و هنری است جداگانه و غیر از منبر و سخنرانی که در یادداشتی دیگر به‌طور مفصل به آن پرداخته می‌شود.





تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهدا



پیشنهادهنده و مجری این طرح، دربارهٔ تألیف این کتاب می‌گوید: یکی از اهداف مؤلفان این کتاب، این بوده است که نگاه جامعی به واقعهٔ عاشورا داشته باشد و بسیاری از مباحث که در مقاتل نیامده، در این کتاب مورد اشاره قرار گرفته است. تاریخ قیام امام حسین (علیه السلام) و مقتل و تمام مباحث مورد نیاز مبلغان جوان، در این کتاب گردآوری شده است. همچنین زندگی‌نامهٔ یاران امام حسین (علیه السلام) از دیگر بخش‌های این کتاب است. این کتاب به بیش از سی پرسش اصلی در ارتباط با واقعهٔ عاشورا پاسخ می‌دهد و در این تألیف از بیش از ۵۴۴ منبع استفاده شده است. به گفتهٔ حجت‌الاسلام پیشوایی، این کتاب به محضر بیش از هشت نفر از علما و مراجع تقلید ارائه شده و آنها نظریات خود را در ارتباط با این اثر ارزشمند، ارائه کرده‌اند.

جلد نخست تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهدا (علیه السلام) از سوی گروه تاریخ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) منتشر شده است. با بررسی‌های انجام‌شده از سوی محققان گروه تاریخ مؤسسه امام خمینی (ره)، گزارش‌های منابعی که تا قرن هفتم به نگارش درآمده‌اند، شایستهٔ اتکا و اعتمادند و منابع پس از آن، گزارش‌های چندین معتبری را روایت نمی‌کنند. از این رو در این مقتل، تنها از منابع موجود تا پیش از قرن هفتم استفاده شده است. ورود به کربلا، حوادث روز عاشورا و شهادت اصحاب، بنی‌هاشم و امام حسین (علیه السلام) روایت‌های پایانی جلد نخست را تشکیل می‌دهند. جلد دوم این مقتل، پایان حادثهٔ عاشورا و خروج اهل بیت (علیهم السلام) از کربلا را دربردارد که هنوز منتشر نشده است.

حجت‌الاسلام و المسلمین پیشوایی،



حجت‌الاسلام و المسلمین مهدی پیشوایی، متولد سال ۱۳۲۱ شهرستان مشکین شهر است و تاکنون ده‌ها اثر از این پژوهشگر و استاد حوزهٔ علمیهٔ قم دربارهٔ مسائل مذهبی و تاریخ اسلام و زندگی امامان معصوم (علیهم السلام) چاپ و منتشر شده است. کتاب سیرهٔ پیشوایان این محقق، بارها منتشر شده و به زبان‌های دیگر نیز ترجمه شده است. وی هم‌اکنون از استادان مؤسسهٔ امام صادق (علیه السلام) و مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم است.



مدیر هنری مؤسسهٔ فرهنگی - هنری اندیشهٔ شرق، از انتشار کتاب داستان راستان شهید مطهری به زبان اسپانیولی خبر داد. مجموعهٔ کاملی از سخنان امام مهدی (علیه السلام) در قالب یک جلد و تحت عنوان موسوعهٔ کلمات الامام‌المهدی (علیه السلام) روانهٔ بازار کتاب شد. برای نگارش این موسوعه، به ۹۶ مصدر و منبع اصیل و معتبر شیعی استفاده شده است. موسوعهٔ کلمات الامام‌المهدی (علیه السلام) در ۴۱۷ صفحه، به زبان عربی، از سوی مؤسسهٔ امام هادی (علیه السلام) در هزار نسخه منتشر شده است.

حجت‌الاسلام محمد بهشتی، تألیف جلد نخست آرای تربیتی شیخ اشراق راه‌پایان برد جلد نخست این اثر به فلسفهٔ شیخ اشراق و مبانی آن، مانند انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی می‌پردازد و جلد دوم آن، مبانی تربیتی شیخ اشراق، از جمله اصول، اهداف و روش‌های تربیتی را مورد بحث قرار می‌دهد.

محمد خواجوی، مؤلف، مترجم، مصحح و مدرس کتاب‌های عرفان اسلامی، صبح روز نهم آذر ۱۳۹۱ به دیدار معشوقی شافت که سال‌ها از او نوشت و ترجمه کرد.

نسبت دنیای دیجیتال با مفاهیم فلسفهٔ اسلامی، مانند «وجود» و «ماهیت»، موضوع کتاب دیجیتال‌بسم است که کریم فیضی به‌زودی منتشر خواهد کرد. این اثر بررسی می‌کند که آیا ممکن است این مفاهیم در دنیای دیجیتال موضوعیت خود را از دست بدهند؟

سیر و سلوک، اثر اخلاقی و عرفانی از بانو مجتهده امین اصفهانی، با تصحیح حمید سبحانی صدر، به‌زودی راهی بازار نشر خواهد شد.

عاشورا! انگیزه، شیوه و بازتاب، کتابی از آیت‌الله محمد فاضل استرآبادی، با موضوع بازتاب‌های واقعهٔ عاشورا در جهان اسلام، منتشر شد.

ثارالله



نقل نکته‌های دقیق علمی در باب حدیث، تفسیر، فقه و کلام، مقتل‌شناسی، مکان‌شناسی و جغرافیای کربلا و عاشورا، وقایع‌نگاری و برداشت‌های تحقیقی عالمانه و به دور از دریافت‌ها و نظریات شخصی، کتاب را تا حد اثری درخور تحسین و تدریس در کرسی حوزه و دانشگاه بالا برده است. نگارندهٔ کتاب، مرحوم آیت‌الله حسین عندهلیب همدانی (م. ۱۴۲۰ ق.) از دانشمندان بنام شهر همدان و از شاگردان خاص آخوند ملا علی معصومی همدانی بوده است.

ثارالله، نوشتهٔ مرحوم آیت‌الله حسین عندهلیب همدانی و در نوع خود، کتابی بی‌نظیر، متقن، معتبر و در عین حال ساده و روان است. این کتاب، تاریخ و زندگی مولی‌الکونین، حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) به همراه نکاتی از مقتل اصحاب باوفایش را روایت می‌کند. استناد مؤلف بر آیات، احادیث و متون دینی و روایی معتبر، کتاب را بیش و پیش از آنکه تنها کتابی تاریخی و روایی معرفی کند، مد نظر مجامع علمی و اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار داده است.